

8)

File No.

1957 .

Collection No. /

MUTINY PAPERS

Pros. Serial Nos.

Files of SIRAJU'L ARHAR.

Vol. 13 ; no. 13 ; June 12-18, 1957.

**Subject.**

News about the Moghul Court at Delhi.

Fol. 4 ; Size 12" x 7 3/4" (Printed).

Previous References.

Later References.



دلبه بر خوردار کاسکاد مزار محمد طهیر الدین  
 بخت باد شعره بن حکم شرف  
 اجرا یافت که سسی خد اهل و غیره تقالان  
 که نسبت اشتباه رسد زبانی طرف  
 نالی بدست سبب بیان جنگی ما خورنده  
 انها طام کو دام سر کافضیدارانه  
 روی شان کناننده دنده و هم  
 حکمتی و الانام جمیع و ازان کو تووار  
 برای اجتماع اجناس خوردنی و غیره  
 بنا بر فوج طغیان صادم کرده شده  
 از دربار بر خاسته داخل شده اند  
 شده نصف النهار هنگام نعمت برآ  
 آید ه طعام کرده قیلو که گاه ارسکتند  
 بادای نماند کشتن و دیگر اشغال و  
 عصر گذاروند نهو جب معروضه انجم  
 شناسان بر بخر فیل مع بودج انگیز  
 و دیگر سامان غده و طایر و نقره و نقد  
 تصدق کرده بیرون شهر بر محتاجان  
 اشیاء نمودند و پلاتین و سواران  
 مع سامان برای جنگ مخالفان  
 بیه ان کارزار وقتند و هر کارنا

بنا بر خبر رسانی تعیین یاقتند بعد  
 مغرب حسب معمول احترام الدوله  
 صادر را یاد فرمودند فقط مع  
**یوم یکم سنه ۱۰۸۰**

باقتار بتا شبر اید از فضا و قستی  
 گذارده احترام الدوله صادر را بر  
 مقدس نایز نموده مقتضای انوار  
 جهانانی معروض کردند که معتقدند  
 بهار محبوب علخان به حقوق عظیم  
 جهانی آخر شب قدم به جهان دو  
 نهاد و جان بخوشدلی کو خولی بجان بزر  
 داد مصدق تاسف و ملال انان لیدرانا  
 الیه را چون خوانده حکم مرحمت  
 صادر کردید که بطور دیگر فرزند انان  
 تبار خسر و مکتوب بهار بر خسته  
 دیوار درگاه حضرت شاه کلیم  
 جهان آبادی قدس الله سره  
 سروده شود و بهر بی خانه  
 حله از کین و کاران اجازت

تقره با صره جلالت غزه ناصیه  
سلطنت مرزا محمد جوان تخت  
بهادر فرمان رفت که بر حله قلمها  
بمکان جوئی متصل لال چاه مهر  
خود زنت و شقه خاص بنام  
شاهزاده محمد عظیم پور شاهزاده خضر  
بدین مضمون جاری کردید که  
سبا بهمان بلاتین تابع حکم افسرا  
خود نشینند و سر خود و بلوه بر دواز  
بنمایند و اقبال فرمان افرینگار  
نمی آید تا بران انتظام حمله  
سباه بطور ان زده خانها  
سنووری نفوس بیانت چل  
و عقد هم ان بلتن تهر ناخن  
رای زمین سرده شد و هم  
حکمتا سه بنام افسران و بلاتین  
حکم فرمان بری ان شاهزاده  
مهد و از دالالت جاری  
بخصوصه اراکین بند حکمن شوجه  
سیر و تفریح بود پس بنیاد کرده  
از انجا مرصبت نموده از راه دیودا

خواص پوره داخل ابوان خلیفه  
شده و نیم حکمتا مجات بنام  
کو توالی و تناندران در باره  
رسد و گرفتاری قلی ا متوالی  
و متواتر شدت اجرا صادر شد  
و بلاشتهای سبا بهمان خلیف از موه  
نیاز متقاید انگریزان که در شیب چل  
پنهان گشته روان گردیدند  
و معمول طعام حاجری و بردشت  
و غیره بخانه مطهره در راه مرسوم  
شد نصف آنها بیگام  
نعمت پیری مایه طعام گشته  
قبوله گاه از استند با دالکی نماز  
نشین و دیگر اشغال و نشین  
عصر خواننده اخسین نماز  
باز فرمان برای متقاید و رفیان  
رفت معروض داشته  
که فردا خواهیم رفت و حست  
معمول اجزاء ام الدوله بهادر را یاد  
کردند و شبها که حکم سه و  
دیودهی صدور یافت فقط...

# یوم و شب سبت و سوم

بر وقت افراغ نماز باید اصرام کرد  
 مبادر را شرف نبض شناس  
 دادند بعد حسب حکم مزارطهر الدین  
 مبادر و مزارخضر سلطان مبادر و مزار  
 عبد الله و مزار ابو بکر مبادر و مزار  
 فرزندان مبادر حاضر شدند مع  
 اصران پلایین بعد عرض معوض  
 برای تقابله مخالفان جنگ گاه  
 و یک راس سبب تازی تازاد  
 رشت تازاده محمد عظیم فرحت گشت  
 بعد خضار در باب کباب محراب  
 تو سلیم گشته کله دوران حسب حکم  
 حضور لاسع النور بر جوی متصل  
 لال جاه زون افروز شده  
 بعد سبت جمعه مال و اسباب  
 که به تخیل معتبر الدوله بود ماز  
 حضور آمدند و شرفی و دلان  
 جمله ملازمین نموده فرمودند که

۳۲ بندگان ملازم بر کارزار خود سرگرم  
 بوده مستعد و آماده کار خود باشند  
 و بدستور سابق بر درش ان بندگان  
 حوام شد حمد اطمینان ارزند و بیکان  
 تیز گام متواتر خبک لغو ضرب آینه  
 و قریب آن تمام کوزتوال شهید در باب  
 رسد سانی و گرفتاری قلی و هم بر آنجا  
 تمام خود بر این بقایان جاری شده  
 مانند انصفت آنها هنگام نعمت  
 برای طعام کرده و فیلو که گاه  
 ابراسته مادی نماز شیخ و دیگر  
 اشغال در شبین عصر خوانند اشرفین  
 بفرزند ان مبادر و اصران پلایین  
 نمود شکار را برای انتظام و بندوبست  
 احکامات و الا تا که جاری کنند  
 بعد از ان که فرود حکم شده فرود  
 بتفرست سوم معتبر الدوله مبادر  
 مرحوم که در جامع مسجد قران یافت  
 حمد اراکین و اهلکاران رفته  
 ماز بحضور حاضر شده اطلاع  
 دهند فقط

یوم نهم و سوّم سوال

بادای نایب باد احرام الدوله بنادر  
 را شرف نفس شناسی بخشد  
 سینه جابانی را سینه فرزند  
 نامدار و از کین تمور شعار برود  
 دولت سراسر حاضر شد و ادب  
 و کور نشی می آوردند و حسب حکم  
 فرود در فاتیحه روز سوم معتبر اند  
 بهار مرحوم شامل گشته به خوانین  
 فرقان حمید و دیگر مجید شغال در  
 ثواب به تنوی سیر به قضیه  
 شسته وال بنام الکر علیان حکم  
 فرست گنایان غله بیدار  
 دیهات بیرون ثواب اکثر آباد  
 یکم و در سال دواستن از قیمت  
 آن سرکار یکم مدوح جاری  
 کشت و یک یک شفق حاضر  
 بنام کوزال و تمانه داران بنابر  
 انتظام شهر و رسد و احرامان  
 بیاتن کوزغن محکب گاه سیر

صادر شد و هر کار از امور  
 حضرت شکر خطب بعرض در  
 نصف النهار یکم لغت بر  
 مایه طعام گشته قبله نگاه استینه  
 بادای نماز پیشین و دیگر شغال  
 دلتشمن عصر خوانند از عزین بهار  
 احرام الدوله بهادر را با دفر  
 عرض و معروض شنبه نه  
 سواران محبت بهشت را  
 اسپان از شکر نخالفان گرفتار  
 کرده حاضر آوردند ملاحظه قد  
 رسانند حکم شد که در رساله  
 خود گاه دارند که دو کسین فلکان و دیگر  
 رساله سواران که از جانب کهن  
 آمده بنابر فرد کسین به نام کسین  
 حکم اقدس صادر شد و بر  
 رسد رساننی آنها فرمان و ال  
 رفت برای مردانگی فرج جنگی  
 برای شکست دادن مخالفان  
 حکم قضایاوم شرف نفاذ یافت  
 بعد مغرب حاضرین در دولت

ص

مرشد ساخته فقط ...

# یوم چهارشنبه چایم

ن بعت و بزرگک فریضه و فتنه  
 گذارده احترام الله و له بها و بر  
 بر بنض شناسی کامیاب نموده  
 بعد از آن حضار در بار حاضر  
 حضور گشته اداب و تسبیح گفته  
 بحمد المکاران و فخر نریمان است  
 که کاغذ مرید علاته بصمیم الله  
 بسادرا محمد قلیخان معانیه گنایند  
 و هم و بر دمی در ریث حمد قسری  
 گنایند و بخشش گری تعلیفه سباه  
 سخاوت کور نموده باشند باقران  
 فوج برای بروا می مقامه می افروز  
 و اس سال در شستن توب و سباه  
 بر قلعه گفته حکم انور نفاذ پانته  
 خانچه حب الامر و الا روانه  
 شده و شفق خاص بنام  
 بهمنو لال در باب تقرری دار

بیل در بای جمن و مقدر نمودن باب  
 و شفقته و وسپا بیان و غره  
 برای انظام الحی و هم بر و انجات  
 جام کو تو ال او تمانه داران در  
 با سار سه سانی حارسی ساخته  
 نصف النهار حکام نعمت بر  
 مایه طعام شده و تکریمه است  
 با دمی خائز شین و دیگر شغال نشین  
 عصر و در لغزشنده سبوح و ضات  
 هر کاره که از رنگ آورده بود  
 اشرفین نماز ترا الله و له بها  
 را بار نموده بعد شفق خاص  
 کرامت انحصار بنام حکم خاص  
 خان در باب تقرری در علی کمال  
 بنام بهمنو لال و معین کردن  
 شهادت نظر سبایان برای انظام  
 همراه نامبرده و هم شفق خاص بنام  
 مرزا خضر سلطان در باب اهد  
 و اعانت دار و غره کور جابر  
 شده شبانه بعد مغرب حکم  
 سه دمی دیو دیات فرمود که شهادت

نمودند فقط ..... فرمودند که خیر بهتر است و این  
 دعت بر زبان الهام بیان را نمود  
 یکی شریخ و بن می برید خداوند را که در  
 بکفتا که این شخص بد بکشد بدینه با کج با نفس خسته کند  
 بعد از آن ششم خاص بن بدین حکم  
 مبارک شاه خان بر عهد تو تو را  
 شهر منصور سازد که مستعجابی  
 قاضی فیض اند ششمه سابق  
 حسن بخش خان عرض نمود که در  
 سبها بیان مع سامان لونی خانه  
 و سبها میگردد بن از جانب نصیر  
 حضور حاضر میشود فرمودند که  
 مشکام شهر طلبند و آنها را برود  
 شهر فردا شش سازند و طعام  
 برسد و غیره برای آنها فرستاده  
 شود بعد داخل ایران شهر بار  
 شده نصف آنها را فیکام نعمت  
 برای اید و طعام قلیله گاه اگر  
 مادانی باشد پیشین و دیگر شغال  
 و تشمین عصر خوانند آخرین شهر  
 افسران اند نصیر الهام طلبه خانه

**یوم نیت و محرم شوال**  
 قبل از طلوع باید در فريضه وقتی گذارده  
 احترام الدوله بهادر را بر نفس شمار  
 کامیاب نمودند مخصوص فرزند  
 و الا نشان و ارکین بنده بکین در یوا  
 خاص جلوه ارا شده ادا و کوسا  
 حاضرین پذیرفتند و مزار ظهیر الیه  
 بهادر در سبها ای از نطقه  
 شهر و تمبیل نکردن احکامات  
 سبها بیان پلاش جنگی و باز سبها  
 از غارت گرمی شهر فرمودند  
 که این سرشان نامجا و غارت  
 کران نامکار بجهل دین شهر  
 شک نمودند و عازمان اقدم  
 در عینا انداختند بحر غارتگری  
 منتظر خبری نه از نه در عایا نایان  
 و ناروای زجا نه بجهل بنده  
 ظهور نخواهد بود معروض نمودند که  
 غلام بجان دلی از سر ساسی خواهد بود

انجا مسموع ساخته بعد از حضرت بودند  
بعوض رسید که زوجه فرزند اجل بهادر  
انچه در جهان گذران خرابیده نموده  
طوبی در جبه حکم معمران بر او نعت  
و طعام حاضر می دادند بعد مغرب  
احرام الهی بهادر را یاد نمودند

# یوم حیات و شوال

بادای سنن و فرضیه یوم دینه حرام  
الدوله بهادر را بر بنفش مقدس  
سزاوار نموده بزرگ پهلیر الدین بهادر  
برای روانگی بلائین برای خانقاه  
فرمان صادر کردند جناب حاکم  
سیاه بیان جنگ گاه رفتند  
نصف النهار هنگام غمزه پیکار  
طعام گشته قیلو که گاه ایستند  
بادای نماز شبین و دیگر شغال  
دانشین معض خواهند و بیگان  
تیر بنک خیر جنگ حضور  
تو و من کردند بعوض رسید

که همان غارتگران که عبادین بود  
در اثناء می ساختند امر و زنجار  
منشی آسید سنگه واقع علی ماران  
حاجه که در دند و جهان دم مرز اظہر  
نخت بهادر بر سر دارک سبیده  
انتظام فرار و اخعی نمودند چون  
خانه تلاشی آنها گمانند نه محاک  
نام گوره نیافتند فرمودند اغفر  
تبارک و بادوش این فتنه کران  
میشود حکم پهلیر الدین مشرف  
ورود باقت که در حیات ک  
بلخ بنده و نسبت زمانه خواهد شد  
سواران بسترای خود بیرون  
باغ نمایند بعد مغرب احرام الهی  
بهادر را یاد نمودند فقط

# یوم حیات و شوال